

توصیه رسانه‌ای عمادالدین باقی به تیم مذاکره‌کننده ایران:

میدان روایت را به آمریکایی‌ها واگذار نکنید

روزنامه‌نگار و فعال رسانه‌ای با بیان اینکه واگذاری میدان روایت به طرف مقابل گناه بزرگی است، از تأخیر رسانه‌ای ایران برای بیان جزئیات مذاکرات انتقاد و تأکید کرد: این وضعیت سبب می‌شود آمریکا روایت خود را از مذاکرات دنیا ارائه دهد. عمادالدین باقی با انتشار یادداشتی درباره آنچه در مذاکرات اسلام‌آباد گذشت، نوشت: «در اینکه آمریکایی‌ها مذاکره نمی‌کنند، دستور می‌دهند و زورگویی می‌کنند بحثی نداریم، ولی واگذاری میدان روایت به آنها، ضعف و بلکه گناه بزرگی است. در زمانی که خبرها و اتفاقات، لحظه‌ای شده است، هیئت ایرانی بیان جزئیات را -شاید به دلیل نیاز به مشورت در داخل کشور- انقدر به تأخیر می‌اندازد که طرف مقابل بتواند به دنیا بگوید ایران شروط آمریکا را پذیرفت و چون تنها شرطی که اجماع جهانی درباره‌اش وجود دارد برنامه هسته‌ای ایران است. آنها القبا می‌کنند که آمریکا دنبال تضمین دست‌نیافتن ایران به سلاح هسته‌ای است ولی ایران بر غنی‌سازی اورانیوم (کنایه از اتمی‌شدن) اصرار دارد. این در حالی است که ایران حتی در برجام هم غنی‌سازی سه درصد تحت نظارت آژانس را پذیرفته بود. وقتی اصل مذاکره برای صلح را پذیرفته‌اید، پاسخ به بهانه‌گیری ارائه تضمین در مورد سلاح هسته‌ای چه مشکلی دارد که یک‌بار برای همیشه این بهانه از دست جنایتکاران گرفته نمی‌شود تا اجماع دولت‌ها را بشکند؟ اینکه از طرف ایران اعلام شود آمریکایی‌ها زیاده‌خواهی داشتند بدون اینکه دقیقاً معلوم شود مشخصاً این زیاده‌خواهی چه بوده و ایران دقیقاً چه پاسخی داشته؟ ایراد تیم دیپلماسی و مذاکراتی است. به این ترتیب صلح هرچه بیشتر از دسترس دور می‌شود. مذاکره بـرای «صلح جامع» مطلوب ایران، آن هم در برابر دولتی جنگ طلب، «روش»، «مهارت» و تیم مناسب خود را می‌طلبد.»

یادداشت

نقش تنگه هرمز در تشدید ناامنی غذایی در جهان

مسیره‌های دریایی مهمی که از منطقه خلیج فارس و دریای سرخ عبور می‌کنند، نقش کلیدی در تجارت جهانی انرژی و مواد غذایی دارند. هرگونه ناامنی در این مسیرها می‌تواند باعث افزایش هزینه‌های بیمه، حمل‌ونقل و زمان انتقال کالاها شود. اختلال در حمل‌ونقل دریایی و زمینی نه تنها تجارت انرژی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه جریان انتقال غلات، روغن‌های نباتی و سایر مواد غذایی را نیز مختل می‌کند. این وضعیت می‌تواند به افزایش قیمت مواد غذایی در بازارهای جهانی و در نهایت تشدید ناامنی غذایی در بسیاری از کشورها منجر شود.

کاهش سطح زیر کشت و افزایش نااطمینانی در بخش کشاورزی

در شرایط بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی، سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی کاهش می‌یابد. کشاورزان در بسیاری از مناطق جهان با نبود قطعیت درمورد قیمت نهاده‌ها، دسترسی به بازارها و ثبات اقتصادی روبه‌رو می‌شوند. این مسئله می‌تواند باعث کاهش سطح زیر کشت و کاهش تولید محصولات کشاورزی شود. علاوه‌براین، افزایش هزینه‌های تولید و مشکلات تأمین نهاده‌ها ممکن است برخی کشاورزان را مجبور کند که از کشت برخی محصولات صرف‌نظر کنند یا سطح تولید خود را کاهش دهند. چنین روندی در بلندمدت می‌تواند عرضه جهانی غذا را محدود کرده و فشار بیشتری بر بازارهای جهانی وارد کند.

کشورهای فقیر و کشاورزان خرد: قربانیان اصلی بحران

شواهد حاکی است که هدف اصلی از محدودیت‌های تردد در تنگه هرمز ایجاد فشار اقتصادی بر رای‌دهندگان آمریکایی است تا پایگاه تیم ترامپ متزلزل شود. اثرات اولیه و ثانویه مسدودشدن تنگه هرمز نشان می‌دهد پیام اصلی این رویداد به جامعه آمریکا منتقل شده است اما واقعیت‌های جهانی نشان می‌دهد که هرچند بحران‌های ژئوپلیتیک اهداف نقطه‌ای دارند اما اثرات جهانی داشته و اثرات جنگی آن کنترل‌لرذنی نیست. بدیهی است که همه کشورها و گروه‌های اجتماعی نیز به یک اندازه آن آسیب نمی‌بینند. در بسیاری از موارد، کشاورزان خرد و جوامع روستایی در کشورهای جنوب جهانی بیشترین آسیب را متحمل می‌شوند. اخبار واصله از جنوب شرقی آسیا و کشورهای مانند میانمار، فیلیپین، بنگلادش، هندوستان و کشورهای فقیر آفریقا هر روز شدیدتر شده و در برخی کشورها به بحران امنیتی و اعتراضات اجتماعی تبدیل شده است. این کشاورزان معمولاً منابع مالی محدودی دارند و به‌شدت به بازارهای محلی و قیمت نهاده‌های وارداتی وابسته‌اند. افزایش قیمت کود، سوخت و بذر می‌تواند توانایی آنان برای ادامه فعالیت کشاورزی را به‌شدت کاهش دهد. درعین‌حال این گروه‌ها اغلب به شبکه‌های حمایتی و بیمه‌های کشاورزی دسترسی محدودی دارند و در برابر شوک‌های اقتصادی بسیار آسیب‌پذیرند.

پیامدهای اجتماعی و سیاسی بحران غذا

تجارب تاریخی در چندین بحران جهانی به‌وضوح نشان داده است که افزایش قیمت مواد غذایی می‌تواند پیامدهای اجتماعی و سیاسی گسترده‌ای داشته و امنیت غذایی را به خطر بیندازد. در بسیاری از کشورها، افزایش ناگهانی قیمت غذا باعث بروز ناآرامی‌های اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی شده است. هنگامی که خانوارها بخش بزرگی از درآمد خود را صرف خرید غذا می‌کنند، افزایش قیمت‌ها می‌تواند به‌سرعت فشار معیشتی را تشدید کند. در صورت تداوم تنش‌ها در کشورهای و افزایش ناآرامی انرژی و غذا، واقعیت چند روز گذشته در آفریقا و جنوب شرقی آسیا حاکی از آن است که کشورهای بیشتری با بحران‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی از افزایش قیمت انرژی و ناامنی غذایی مواجه شوند. در چنین شرایطی، پیشگیری از منازعات محلی و منطقه‌ای و کاهش سطح تنش اصلی‌ترین راه‌حل و طبعاً همکاری بین‌المللی برای جلوگیری از تشدید بحران اهمیت حیاتی دارد. حفظ جریان آزاد تجارت مواد غذایی، جلوگیری از اعمال محدودیت‌های صادراتی، حمایت از تولیدکنندگان کوچک و سرمایه‌گذاری در سیستم‌های کشاورزی مقاوم در برابر شوک‌ها از جمله اقداماتی است که می‌تواند به کاهش اثرات بحران کمک کند. همچنین تقویت سیستم‌های ذخیره‌سازی و توزیع مواد غذایی، بهبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل و حمایت از کشاورزان در کشورهای در حال توسعه می‌تواند نقش مهمی در افزایش تاب‌آوری سیستم جهانی غذا داشته باشد. تحولات ژئوپلیتیک اخیر در خاورمیانه نشان می‌دهد که امنیت غذایی جهانی تا چه اندازه شکننده و به ثبات سیاسی و اقتصادی وابسته است. تشدید تنش‌ها و درگیری‌های نظامی، از طریق افزایش قیمت انرژی، اختلال در زنجیره‌های تأمین و افزایش هزینه‌های تولید کشاورزی، می‌تواند زمینه‌ساز بحران جدیدی در حوزه امنیت غذایی جهانی شود. در چنین شرایطی، پیشبرد آسیب متوجه سیستم تولید و مردم در جوامع آسیب‌پذیر، به‌ویژه کشاورزان خرد در کشورهای جنوب جهانی خواهد بود. اگر مذاکرات صلح و آتش‌بس شکننده کنونی با حمایت جامعه جهانی نتواند با همکاری و اتخاذ سیاست‌های هماهنگ از گسترش این بحران جلوگیری کند، جهان ممکن است با موج جدیدی از ناامنی غذایی گسترده و بی‌ثباتی عمیق اجتماعی مواجه شود.

پی‌نوشت:

۱. ایده «قوی سیاه» (The Black Swan) از نسیم نیکلاس طالب این است که رویدادهای بسیار نادر، غیرمنتظره و تأثیرگذار، نقش بسیار بزرگ‌تری در شکل‌دادن به تاریخ، اقتصاد، علم و زندگی ما دارند، در مقایسه با آنچه اکثر مردم تصور می‌کنند، اما ما معمولاً آنها را نادیده می‌گیریم یا پس از وقوع‌شان توجهی منطقی برای‌شان می‌سازیم. قوه‌های سیاه سه ویژگی دارند: پیش‌بینی‌ناپذیرند، اثرات عظیم و تکان‌دهنده دارند، بعد از وقوع، مردم وانمود می‌کنند که «از قبل مشخص بوده».

روایت «شرق» از اسلام‌آباد؛ مذاکرات فشرده ایران و آمریکا پس از ۲۱ ساعت از ریزنی، بی نتیجه ماند و هیئت‌ها بازگشتند

ماراتنی که به خط پایان نرسید

عبدالرحمن فتح‌الهی؛ مذاکرات ایران و آمریکا در پاکستان، با وجود حضور هیئت‌هایی به‌سابقه از نظر سطح، تعداد و اختیارات علی‌رغم بیش از ۲۱ ساعت گفت‌وگوی فشرده، پیچیده و چندلایه، سرانجام بدون دستیابی به توافق به پایان رسید؛ ماراتنی دیپلماتیک که در آغاز، نشانه‌هایی جدی از امکان شکل‌گیری یک تفاهم تاریخی بین تهران و واشنگتن را در خود داشت، اما سرانجام در تقاطع اختلافات بنیادین و محاسبات متعارض راهبردی به ایستگاهی از بن‌بست رسید. این روند، به روایت منابع مختلف، اگرچه در ساعات ابتدایی نشانه‌هایی امیدوارکننده برای عبور از یکی از حساس‌ترین بحران‌های چند دهه اخیر داشت، اما با رسیدن به بامداد یکشنبه و آشکارشدن اختلافات جدی و ریشه‌ای میان دو طرف، به‌تدریج از مسیر توافق فاصله گرفت و در نهایت به بن‌بست رسید.

۲۱ ساعت مذاکره؛ از شکل‌گیری امید تا فرسایش تدریجی توافق
بر اساس گزارش صداوسیما، هیئت ایرانی با حضور محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، عباس عراقچی، وزیر امور خارجه و علی باقری، عضو شورای عالی امنیت ملی به همراه تیم‌های کارشناسی وارد مذاکراتی شد که از نظر زمان، مذاکر و گستره موضوعات، در زمره طولانی‌ترین و پیچیده‌ترین مذاکرات سال‌های اخیر قرار گرفت. این گفت‌وگوها که حدود ۲۱ ساعت به طول انجامید، به ادعای صداوسیما، با هدف دستیابی به یک چارچوب مشترک برای حل‌ووصل مجموعه‌ای از مسائل راهبردی دنبال شد. در ساعات ابتدایی مذاکرات، نشانه‌هایی از پیشرفت نسبی مشاهده می‌شد و حتی برخی منابع از شکل‌گیری یک چارچوب اولیه سخن گفتند. در همین راستا، واشنگتن تکلیف نیز به نقل از یک مقام پاکستانی گزارش داد که مذاکرات «تا حد زیادی مثبت» بوده، هرچند با فرازوشیب‌هایی همراه شده است.

هم‌زمان، سسی‌ان‌بان به نقل از منابع پاکستانی اعلام کرد اگرچه نتایج اولیه مذاکرات مثبت ارزیابی می‌شود، اما بن‌بست بر سر برخی موضوعات کلیدی، به‌ویژه تکلیف ایران‌تین دست پابرجاست. همچنین، خبرنگار نیویورک‌تایمز گزارش داده که مذاکرات تا ساعات اولیه بامداد ادامه و حتی با عبور از نیمه‌شب، همچنان جریان داشته است که نشانه‌ای از جدیت دو طرف برای رسیدن به نتیجه خواهد بود.
باین‌حال، به تدریج و با ورود مذاکرات به سطوح عمیق‌تر و تخصصی‌تر، شفاف‌ها نمایان‌تر شد. تصمیم گزارش داد که پس از ورود به مباحث کارشناسی و بررسی جزئیات، اختلافات جدی در برخی حوزه‌ها خود را نشان داد و روند مذاکرات از حالت پیش‌رونده اولیه فاصله گرفت. در نهایت، به روایت صداوسیما، هیئت ایرانی با تأکید بر حفظ حقوق اساسی کشور در حوزه‌های مختلف، ازجمله مسائل هسته‌ای، نظامی و امنیتی، مانع از تحقق خواسته‌هایی شد که از نگاه تهران، فراتر از چارچوب‌های قابل قبول بوده است. این رسانه تأکید دارد که ایستگاه هیئت ایرانی، در کنار طولانی‌شدن مذاکرات، نشان‌دهنده تلاش برای دستیابی به توافقی «متوازن و قابل اتکا» بوده، هرچند در نهایت به نتیجه نرسیده است.

در سطح محتوایی، گزارش‌ها نشان می‌دهد که مذاکرات، نه بر سر یک موضوع، بلکه بر سر یک بسته جامع از مسائل راهبردی جریان داشته است.
العربی‌الجدید به نقل از منابع آگاه پاکستانی گزارش داده که مهم‌ترین موانع پیشرفت مذاکرات، به‌ویژه در مراحل پایانی، موضوعات لبنان و تنگه هرمز بوده است. بر اساس این گزارش، طرف آمریکایی تلاش داشته برونده لبنان را از چارچوب تعامل با ایران خارج کرد و آن را به‌طور کامل به اسرائیل واگذار کند؛ رویکردی که با مخالفت شدید تهران مواجه شده است. این مسئله، به گفته منابع العربی‌الجدید، یکی از نقاط اصطکاک جدی میان دو طرف بوده است.

در کنار این موضوع، تنگه هرمز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های انرژی جهان، به یکی از اصلی‌ترین محورهای اختلاف تبدیل شده است. به گزارش العربی‌الجدید، هیئت آمریکایی خواستار به تعویق انداختن تعیین تکلیف این موضوع و کاهش نقش ایران در آن بوده، در حالی که ایران بر حفظ حاکمیت و نقش راهبردی خود تأکید داشته است. در همین راستا، سسی‌ان‌ان نیز گزارش داده که بن‌بست بر سر کنترل و وضعیت تنگه هرمز، یکی از موانع اصلی دستیابی به توافق بوده است. همچنین، تسنیم تأکید کرده که این موضوع، در کنار چند محور دیگر، ازجمله مسائل حل‌نشده کلیدی در مذاکرات بوده است. علاوه بر این، موضوع برنامه موشکی ایران نیز از سوی طرف آمریکایی مطرح شده است. به گزارش العربی‌الجدید، این درخواست با مخالفت تهران مواجه شده و اساساً ورود به چنین بحثی از سوی ایران پذیرفته نشده است. نیویورک‌تایمز هم روایتی خاص خود را از اختلافات تهران و واشنگتن داشت و نوشت: «مذاکرات ایران و آمریکا در سه محور اصلی به بن‌بست رسیده است؛ نخست، موضوع تنگه هرمز که آمریکا خواستار بازگشایی فوری آن بود، در حالی که ایران آن را اهمی راهبردی تا دستیابی به توافق نهایی می‌داند. دوم، سرنوشت حدود ۹۰۰ پوند اورانیوم غنی‌شده که همچنان مشخص‌شده باقی مانده و سوم، مسئله دارایی‌های مسدودشده ایران در خارج از کشور که تهران خواستار آزادسازی حدود ۲۷ میلیارد دلار از آنهاست.» مجموعه اختلافات حکایت از آن داشت که مذاکرات شنبه و یکشنبه در اسلام‌آباد به رغم بن‌بست، صرفاً یک گفت‌وگوی محدود نبود، بلکه تلاشی برای بازتعریف یک نظم راهبردی جدید در منطقه محسوب می‌شد؛ نظمی که بر یک از طرفین، تلاش داشته‌اند آن را مطابق با منافع و برداشت‌های خود شکل دهند.

روایت‌های متقابل؛ از «آخرین پیشنهاد» تا تأکید بر واقع‌گرایی
پس از پایان مذاکرات، روایت‌های متفاوتی از سوی طرفین ارائه شد. جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، اعلام کرد که ایالات متحده «آخرین و بهترین پیشنهاد» خود را ارائه کرده، اما ایران آن را نپذیرفته است. وی همچنین مدعی شد که اختلافات اصلی بر سر موضوعات هسته‌ای و تعهدات

روایت «شرق» از اسلام‌آباد؛ مذاکرات فشرده ایران و آمریکا پس از ۲۱ ساعت از ریزنی، بی نتیجه ماند و هیئت‌ها بازگشتند

ماراتنی که به خط پایان نرسید



بلندمدت ایران بوده است. در مقابل، محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، در پستی در شبکه ایکس نوشت: «پیش از مذاکرات تأکید کردم که ما حسن نیت و اراده لازم را داریم، ولی به دلیل تجربیات دو جنگ قبلی، اعتمادی به طرف مقابل نداریم. همکاران من در هیئت ایرانی میبای ۱۶۸ ابتکارات رو به جلویی مطرح کردند. ولی طرف مقابل در نهایت نتوانست در این دور از مذاکرات اعتماد هیئت ایرانی را جلب کند.»

وی افزود: «آمریکا منطق و اصول ما را درک کرد و حالا وقت آن است تا تصمیم بگیرد که آیا می‌تواند اعتماد ما را جلب کند یا نه؟ ما هر آینه، دیپلماسی اقتدار را روش دیگری در کنار مبارزه نظامی برای احقاق حقوق ملت ایران می‌دانیم و لحظه‌ای که تلاش برای تثبیت دستاوردهای ۴۰ روز دفاع ملی ایران‌تین دست نخواهیم کشید.» قالیباف تصریح کرد: «ایران یک پیکر است با ۹۰ میلیون جان، از تمام ملت قهرمان ایران که با توصیه مقام معظم رهبری و با حضور در خیابان پشتیبان فرزندان خود بودند و دعای خیر را برده‌فا ما کردند سیاست‌گزارم و به همکارانم در این مذاکرات فشرده ۲۱ساعته خذاقت می‌گویم. زنده و پاینده باد ایران عزیز!».اسماعیل بقایی، سخنگوی وزیر امور خارجه ایران نیز روایت جزئی‌تری را از نشست اسلام‌آباد مطرح و عنوان کرد: «اگرچه در برخی موضوعات تفاهم‌هایی حاصل شده، اما در دو تا سه موضوع مهم اختلافات همچنان باقی مانده و همین مسئله مانع از دستیابی به توافق شد.» وی تأکید کرد که «این مذاکرات در فضایی از بی‌اعتمادی پس از جنگ انجام شده و طبیعی است که به نتیجه فوری نرسد.»

در پی شکست مذاکرات ایران و آمریکا در اسلام‌آباد، واکنش‌ها و تحلیل‌های چهره‌های سیاسی و کارشناسان، ابعاد این بن‌بست را روشن‌تر کرده است. محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه پیشین جمهوری اسلامی ایران، در واکنش به اظهارات جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، تأکید کرد که هیچ مذاکره‌ای، به‌ویژه با ایران، بر مبنای دیکته‌کردن «شرایط یک‌طرفه» به نتیجه نخواهد رسید. در ادامه، اندی کیم، سناتور آمریکایی هم با انتقاد از رویکرد دولت واشنگتن، تلاش برای حل اختلافات چنددهه‌ای در زمانی کوتاه را غیرواقع‌بینانه دانست و بر ضرورت برنامه‌ریزی دقیق و تعامل مستمر تأکید کرد. از سوی دیگر، دیوید میلر، مذاکره‌کننده پیشین آمریکا در امور خاورمیانه، تصریح کرد که ایران در این مذاکرات از اهم‌های بیشتری برخوردار بوده و عجله‌ای برای امتیازدهی ندارد. در سطحی امنیتی، دنیس سیتروونویچ، رئیس پیشین میز ایران در اطلاعات نظامی ارتش اسرائیل، معتقد است ایران از موضع قدرت وارد مذاکرات شده، در حالی که در آمریکا تصور امکان تحمیل توافق وجود داشته است. در نهایت، ولی نصر، مشاور پیشین باراک اوباما در امور خاورمیانه، عامل اصلی عدم توافق را «بحران اعتماد» دانست و اختلاف بر سر ترتیب اجرای تعهدات را مهم‌ترین مانع رسیدن به توافق ارزیابی کرد.

دراین‌میان، نقش بازیگران ثالث نیز درخورتوجه است. برخی کشورها ازجمله پاکستان و استرالیا بر ضرورت تداوم آتش‌بس و بازگشت به میز مذاکره تأکید کرده‌اند و حتی برخی گزارش‌ها از احتمال تمدید آتش‌بس برای فراهم‌شدن زمینه مذاکرات حکایت دارد. هم‌زمان، تحلیل‌هایی نیز وجود دارد که از تمایل بخشی از تصمیم‌گیران آمریکایی برای برهم‌ز آن تشدید تدریجی و دادن فرصت دوباره به دیپلماسی خبر می‌دهد. در نهایت، می‌توان گفت گزینه‌هایی مانند محاصره دریایی، حتی اگر در کوتاهمدت به‌عنوان ابزار فشار مطرح شوند، الزاماً به معنای ورود فوری به یک تقابل گسترده نیستند و ممکن است صرفاً در رتسر را حفظ کند. در مذاکرات نیز با اتکا به منطق و اقتدار وارد شد، رویکردی که به‌وضوح از حمایت افکار عمومی داخلی نیز برخوردار بود. باآین‌با اشاره به آینده مذاکرات، آن را وابسته به تغییر رویکرد آمریکا می‌داند و می‌گوید که «در شرایط فعلی، ایالات متحده هم در عرصه نظامی و هم در حوزه سیاسی با چالش‌هایی مواجه شده است. افکار عمومی جهانی تا حد زیادی در برتبه‌های مملکتی این کشور انتقادی شده و حتی در داخل آمریکا نیز بحث‌های درباره تقود منافع اسرائیل بر منافع ملی آمریکا مطرح است. در چنین شرایطی، اگر واشنگتن رویکردی عقلانی در پیش بگیرد، ناگزیر خواهد بود مطالبات مشروع ایران را بپذیرد و به سمت یک توافق پایدار حرکت کند.»

سفیر اسبق ایران در ترکمنستان درعین‌حال درباره تکرار اشتباهات محاسباتی آمریکا هشدار می‌دهد و به گفته او، «اگر آنگارن بار دیگر دچار اشتباه راهبردی شود، چه از طریق بازگشت به گزینه نظامی و چه با اقداماتی مانند محاصره دریایی بدون‌تردید با شکست مواجه خواهد شد، چراکه تجربه‌های اخیر نشان داده که چنین اقداماتی نه‌تنها دستاوردی برای آمریکا ندارد، بلکه می‌تواند هزینه‌های سنگینی را نیز به این کشور و اقتصاد جهانی تحمیل کند.»

باآین‌کشور در بخش دیگری از این گفت‌وگو به موضوع تنگه هرمز اشاره کرده و آن را یکی از گرهِ‌های اصلی اختلاف می‌داند. او توضیح می‌دهد که «آمریکا به دنبال بازگشایی کامل و بدون قیدوشرط این مسیر راهبردی است، درحالی‌که ایران مدیریت هوشمندانه‌ای بر تنگه اعمال کرده و در چارچوب منافع ملی خود عمل می‌کند. اگر آمریکا بخواهد از طریق محاصره دریایی وارد عمل شود، عملاً خود به عاملی برای کاهش تردد کشتی‌ها و افزایش قیمت انرژی تبدیل خواهد شد؛ موضوعی که با ادعاهای این کشور درباره کنترل قیمت‌ها در تضاد است.» تحلیلگر حوزه بین‌الملل در پایان تأکید می‌کند «مسیر پیش‌روی مذاکرات همچنان باز است، اما موفقیت آن در گرو پذیرش واقعیت‌های میدانی و احترام به حقوق مشروع ایران است.» تحلیلگر حوزه بین‌الملل در پایان تأکید می‌کند «مسیر پیش‌روی مذاکرات همچنان باز است، اما موفقیت آن در گرو پذیرش واقعیت‌های میدانی و احترام به حقوق مشروع ایران است.»

علی بیگدلی؛ شکست مذاکرات اسلام‌آباد به معنای بسته‌شدن کامل مسیر دیپلماسی نیست
در تحلیل دلایل شکست مذاکرات ایران و آمریکا، علی بیگدلی در گفت‌وگویش با «شرق» و با نگاهی انتقادی، به بررسی ابعاد مختلف این مذاکرات پرداخته و با اشاره به نحوه آغاز و مدیریت مذاکرات، ادعان دارد که «آنچه در اسلام‌آباد رخ داد، از ابتدا با نوعی شتاب‌زدگی همراه بود. وقتی بدون فراهم‌سازی زمینه‌های لازم و بدون انجام دیپلماسی محرمانه وارد مذاکره‌ای با این سطح از پیچیدگی می‌شویم، طبیعی است که نتیجه‌ای حاصل نشود.» به گفته این تحلیلگر حوزه سیاست خارجی، «محدودیت زمانی اعلام‌شده از سوی جی‌دی ونس در پاکستان و اصرار بر اعلام‌شدن سریع، عملاً فرصت شکل‌گیری تفاهم را از بین برد و مذاکرات را به سمت بن‌بست سوق داد.»

این استاد دانشگاه یا تأکید بر نبود «منطق مشترک میان دو طرف»، تصریح می‌کند که «نه ایران و نه آمریکا در این مرحله از مذاکرات پاکستان به درک مشترکی از چارچوب مذاکرات نرسیده بودند، درحالی‌که چنین شکافی باید پیش‌تر از نشست اسلام‌آباد و در قالب گفت‌وگوهای محرمانه کاهش می‌یافت و سپس مذاکرات رسمی آغاز می‌شد.» این کارشناس بر این باور است که «سطح بالای انتظارات آمریکا و هم‌زمان نبود آمادگی کافی در طرف ایرانی، از دیگر عوامل مؤثر در شکست این دور از گفت‌وگوها بوده است.»

بیگدلی همچنین به ترکیب هیئت ایرانی اشاره کرده و باور دارد که «ترکیب هیئت مذاکره‌کننده از یکدستی و تجربه لازم برای چنین مذاکرات حساسی برخوردار نبود. این موضوع نیز در

روایت «شرق» از اسلام‌آباد؛ مذاکرات فشرده ایران و آمریکا پس از ۲۱ ساعت از ریزنی، بی نتیجه ماند و هیئت‌ها بازگشتند

ماراتنی که به خط پایان نرسید

کنار سایر عوامل، بر روند مذاکرات تأثیر گذاشت.» درعین‌حال، این کارشناس روابط بین‌الملل با نگاهی واقع‌گرایانه، خاطر‌نشان می‌کند که «پایان این دور از مذاکرات به معنای بسته‌شدن کامل مسیر دیپلماسی نیست.» به گفته او، «اعلام شکست تنها برای دور اول و نبود واکنش تند از سوی ترامپ نشان می‌دهد که همچنان امکان بازگشت به میز مذاکره وجود دارد.»

او در ادامه به تهدید مطرح‌شده از سوی ترامپ درباره «محاصره دریایی» اشاره کرده و آن را بیشتر یک ابزار فشار روانی می‌داند، چون به نظر بیگدلی، «محاصره دریایی، برخلاف آنچه در ادبیات سیاسی مطرح می‌شود، اجرای بسیار دشواری دارد و تجربه‌های تاریخی نیز نشان داده که تحقق آن ساده نیست.» تحلیلگر حوزه سیاست خارجی همچنین تأکید می‌کند که «مکان برگزاری مذاکرات، یعنی پاکستان، انتخاب مناسبی بوده است، با پاکستان به دلیل روابط هم‌زمان با ایران و آمریکا، می‌تواند نقش میانجی مؤثری ایفا کند و این ظرفیت همچنان برای دوره‌های بعدی وجود دارد.»

او در بخش دیگری از سخنان خود، به نقش مخرب احتمالی بازیگران منطقه‌ای به‌ویژه اسرائیل اشاره کرده و متذکر می‌شود که «بنیامین نتانیاهو و جریان‌های حامی او، تمایل چندانی به دستیابی ایران و آمریکا به توافق ندارند، حتی می‌توان گفت ادامه تنش، برای برخی بازیگران دارای منافع سیاسی است.» بیگدلی در پایان با تأکید بر شرایط دشوار داخلی و فشارهای اقتصادی، خاطر‌نشان می‌کند که «اکنون جامعه ایران پس از دو جنگ تحمیلی سال گذشته تحت فشارهای سنگینی قرار دارد و تداوم این وضعیت، ضرورت یافتن راه‌حل‌های دیپلماتیک را دوچندان می‌کند. با این حال، تحقق چنین راه‌حلی مستلزم بازنگری در رویکردها، تقویت دیپلماسی پنهان و تلاش برای یافتن نقاط مشترک پیش از ورود به مذاکرات رسمی است.»

محسن پاک‌آیین؛ چه محاصره دریایی و چه جنگ دوباره آمریکا علیه ایران محکوم به شکست است

محسن پاک‌آیین هم به‌عنوان دیگر کارشناس در گپ‌وگفت با «شرق» و ذیل نگاهی انتقادی به رویکرد آمریکا، ریشه اصلی ناکامی مذاکرات اسلام‌آباد را در «زیاده‌خواهی‌های واشگتن» و «تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم حملات اسرائیل در لبنان» می‌داند.
سفیر اسبق ایران در جمهوری آذربایجان در همین راستا با تأکید بر اجماع نسبی در میان تحلیلگران بین‌المللی تصریح می‌کند «واقعیت این است که بخش درخورتوجهی از کارشناسان سیاسی و نظامی در سطح جهان به این جمع‌بندی رسیده‌اند که عامل اصلی به بن‌بست رسیدن مذاکرات، رویکرد ایالات متحده بوده است. آمریکایی‌ها مطالباتی را مطرح کردند که نه‌تنها فراتر از چارچوب‌های منطقی و حقوق بین‌الملل بود، بلکه با اصول حاکمیت ملی کشورها نیز در تعارض قرار داشت؛ بنابراین طبیعی بود که چنین خواسته‌هایی از سوی ایران بپذیرفته نشود.»

کارشناس ارشد سیاست خارجی، ضمن اشاره به نقش غیرمستقیم و مخرب اسرائیل در این روند، معتقد است که «اگرچه اسرائیل به طور رسمی در مذاکرات حضور نداشت، اما در همان ابتدا تلاش کرد روند گفت‌وگوها را تحت تأثیر قرار دهد و در این زمینه، حملات به لبنان و اقدامات نظامی در مناطق مسکونی، پیامی روشن از مخالفت این رژیم با هرگونه توافق بود. شخص بنیامین نتانیاهو نیز بارها به صراحت مخالفت خود را با هرگونه توافق میان ایران و آمریکا اعلام کرده است.»

ایران در دو حوزه نظامی و سیاسی خاطر‌نشان می‌کند که «جمهوری اسلامی ایران در این مقطع، هم در میدان نظامی و هم در عرصه سیاسی، از موقعیت درخورتوجهی برخوردار است. درواقع، همان‌گونه که ایران در میدان توانست دست رتسر را حفظ کند، در مذاکرات نیز با اتکا به منطق و اقتدار وارد شد، رویکردی که به‌وضوح از حمایت افکار عمومی داخلی نیز برخوردار بود.» پاک‌آیین با اشاره به آینده مذاکرات، آن را وابسته به تغییر رویکرد آمریکا می‌داند و می‌گوید که «در شرایط فعلی، ایالات متحده هم در عرصه نظامی و هم در حوزه سیاسی با چالش‌هایی مواجه شده است. افکار عمومی جهانی تا حد زیادی در برتبه‌های مملکتی این کشور انتقادی شده و حتی در داخل آمریکا نیز بحث‌های درباره تقود منافع اسرائیل بر منافع ملی آمریکا مطرح است. در چنین شرایطی، اگر واشنگتن رویکردی عقلانی در پیش بگیرد، ناگزیر خواهد بود مطالبات مشروع ایران را بپذیرد و به سمت یک توافق پایدار حرکت کند.»

سفیر اسبق ایران در ترکمنستان درعین‌حال درباره تکرار اشتباهات محاسباتی آمریکا هشدار می‌دهد و به گفته او، «اگر آنگارن بار دیگر دچار اشتباه راهبردی شود، چه از طریق بازگشت به گزینه نظامی و چه با اقداماتی مانند محاصره دریایی بدون‌تردید با شکست مواجه خواهد شد، چراکه تجربه‌های اخیر نشان داده که چنین اقداماتی نه‌تنها دستاوردی برای آمریکا ندارد، بلکه می‌تواند هزینه‌های سنگینی را نیز به این کشور و اقتصاد جهانی تحمیل کند.»

باآین‌کشور در بخش دیگری از این گفت‌وگو به موضوع تنگه هرمز اشاره کرده و آن را یکی از گرهِ‌های اصلی اختلاف می‌داند. او توضیح می‌دهد که «آمریکا به دنبال بازگشایی کامل و بدون قیدوشرط این مسیر راهبردی است، درحالی‌که ایران مدیریت هوشمندانه‌ای بر تنگه اعمال کرده و در چارچوب منافع ملی خود عمل می‌کند. اگر آمریکا بخواهد از طریق محاصره دریایی وارد عمل شود، عملاً خود به عاملی برای کاهش تردد کشتی‌ها و افزایش قیمت انرژی تبدیل خواهد شد؛ موضوعی که با ادعاهای این کشور درباره کنترل قیمت‌ها در تضاد است.» تحلیلگر حوزه بین‌الملل در پایان تأکید می‌کند «مسیر پیش‌روی مذاکرات همچنان باز است، اما موفقیت آن در گرو پذیرش واقعیت‌های میدانی و احترام به حقوق مشروع ایران است.» تحلیلگر حوزه بین‌الملل در پایان تأکید می‌کند «مسیر پیش‌روی مذاکرات همچنان باز است، اما موفقیت آن در گرو پذیرش واقعیت‌های میدانی و احترام به حقوق مشروع ایران است.»

آتش‌بس پایدار و حتی توافقی بلندمدت امیدوار بود.»